



ماجرای یک قتل در جوزجان؛

چرا امید مادر خود را کشت؟



هفته گذشته گزارش شد که جوانی در ولایت جوزجان مادرش را به قتل رسانده و جسد او را به آتش کشیده است. طبق گزارش‌ها، این جوان از سوی نیروهای طالبان بازداشت شده و اکنون در انتظار مشخص شدن کیفر است. یک عضو این خانواده توضیح می‌دهد که این پسر با استفاده از سیم «چارجر موبایل» مادرش را خفه کرده و سپس جسد او را سوزانده است. او علت این قتل را فروش جایزاد میرائی به قصد مخارج ازدواج عنوان کرده است.

۵

زمستان سرد و فقر روز افزون؛

مواد خوراکی و سوخت مردم قلاص رو به اتمام است

۵

زلزله و وضعیت رقت‌بار آسیب‌دیده‌گان؛

طالبان برنامه‌ای برای مدیریت حوادث طبیعی ندارند



۳ صفحه

طالبان یک تن را به اتهام قتل مرسل نبی‌زاده بازداشت کردند



صبح ۸ کابل: طالبان پس از حدود یک ماه از ترور مرسل‌نبی‌زاده، عضو پیشین مجلس نماینده‌گان حکومت پیشین، گفته‌اند که وی از سوی یک محافظش کشته شده است. خالد زدران، سخنگوی پولیس طالبان، روز جمعه، ۲۸ دلو، در رشته‌توییت‌هایی گفته است که نبی‌زاده و یک محافظش از سوی فردی به نام مالیار، محافظ دیگر وی، به قتل رسیده‌اند. زدران ادعا کرده که فرد متهم به قتل بازداشت شده است.

به گفته وی، فرد متهم به قتل عضو پیشین مجلس نماینده‌گان کشور به جرمش اعتراف کرده است. با این حال، انگیزه این قتل مشخص نیست. سخنگوی پولیس طالبان گفته است که تحقیقات به منظور روشن شدن ابعاد رویداد ادامه دارد. مرسل نبی‌زاده، شام روز شنبه، ۲۴ جدی، در منطقه ارزان‌قیمت، از مربوطات حوزه دوازدهم امنیتی شهر کابل ترور شد. خانواده وی آن زمان گفتند که نبی‌زاده با کسی مشکل شخصی نداشت.

معضل مواد مخدر؛

۳.۵ میلیون تن در افغانستان معتادند

۸۵۰ کیلوگرام مواد مخدر نوع شیشه خبر داده‌اند. با این حال، گفته می‌شود شمار معتادان به مواد مخدر در کشور بیشتر آن است که طالبان اعلام کرده‌اند.

به گفته این مقام طالبان، تاکنون دست‌کم ۷۵ هزار معتاد به مواد مخدر از ولایات مختلف کشور جمع‌آوری شده‌اند.

در همین حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که در تأدیب‌خانه‌های طالبان خدمات صحتی معیاری، غذا و امکانات منظم برای معتادان به مواد مخدر وجود ندارد.

از سوی دیگر، براساس اطلاعات منابع، خرید و فروش مواد مخدر به‌صورت عمده در ولسوالی‌های مرزی کشک، رباطسنگی، گلران، غوریان و ادرسکن ولایت هرات ادامه دارد.

در پی محدودیت‌های طالبان بر خرید و فروش مواد مخدر، نرخ این کالا در بازارها افزایش بی‌سابقه داشته است و در برخی از ولایات از جمله نیمروز به‌صورت آزادانه خرید و فروش می‌شود.



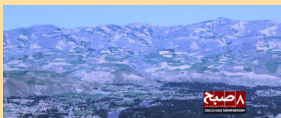
صبح ۸ هرات: در پی نشر گزارش‌ها در مورد کاشت خشخاش و تولید مواد مخدر در افغانستان زیر کنترل طالبان، اکنون معین مبارزه با مواد مخدر این گروه گفته است که شمار معتادان به مواد مخدر در کشور به ۳.۵ میلیون تن می‌رسد. ملا عبدالحق، معین مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله طالبان، در سفر به هرات روز پنجشنبه، ۲۷ دلو، این آمار را از شمار معتادان به مواد مخدر ارایه کرده است.

یک روز پس از سخنان معین مبارزه با مواد مخدر طالبان در مورد افزایش معتادان مواد مخدر، مقام‌های محلی این گروه در نیمروز از کشف

طالبان در بدخشان ۹ مرد و ۲ زن را شلاق زدند

صبح ۸ کابل: گروه طالبان در بدخشان ۱۱ تن به شمول ۲ زن را در محضر عام شلاق زده‌اند. دادگاه عالی طالبان با نشر اعلامیه‌ای روز جمعه، ۲۸ دلو، از محاکمه این افراد خبر داده است. این اداره طالبان نوشته است که این افراد به اتهام «فساد اخلاقی» و رابطه خارج از ازدواج شلاق زده شده‌اند.

این افراد چاشت روز جمعه با حضور مقام‌های نظامی و ملکی طالبان شلاق زده شده‌اند.



طالبان، نمازهای جمعه و حضور کم‌رنگ مردم

طالبان تصمیم قاطع دارند تا از تریبون‌های مساجد برای تحکیم پایه‌های نظام‌شان و مشروعیت‌بخشی به آن، استفاده بهینه کنند.



سخنی پیرامون انجینیری زمین لرزه

انجینیری زمین لرزه مجموعه‌ای از دانش‌ها و فنون گوناگون است که حول اهداف حیاتی مربوط به مطالعه، دیزاین، اجرا، کنترل و نگهداری انواع ساختمان‌های عمرانی در مقابل تاثیرات...



طالبان در کابل یک عضو امنیت ملی پیشین را بازداشت کردند

صبح ۸ کابل: منابع در شهر کابل می‌گویند که گروه طالبان یک کارمند امنیت ملی حکومت پیشین را بازداشت و به جایی نامعلوم منتقل کرده‌اند. محمدرحیم، باشنده اصلی ولسوالی دره ولایت پنجشیر، روز پنجشنبه، ۲۷ دلو، از خانه‌اش در ساحه کارته سخی شهر کابل بازداشت شده است.

به قول منابع، محمدرحیم پس از سقوط حکومت پیشین، بیکار شد و به‌گونه عادی زنده‌گی می‌کرد و با هیچ جریان سیاسی و نظامی ارتباط نداشت. طالبان در مورد بازداشت وی چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که طالبان پس از تسلط بر کشور بارها دست به بازداشت، شکنجه و حتا قتل نظامیان پیشین زده‌اند. در تازه‌ترین مورد این گروه دو تن از منسوبان پیشین پولیس بغلان را در کابل بازداشت و به جای نامعلومی منتقل کرده‌اند.





هزاران پناهجوی افغان در امریکا با خطر اخراج مواجه‌اند



کرن دیگر به دلیل توییت‌های «نامناسب» درباره زنان افغان عذرخواهی کرد

۸ صبح، کابل: پس از آن که کرن دیگر، کاردار سفارت امریکا برای افغانستان، نسخه جنبش سپاه‌پوستان امریکا را برای مبارزه زنان افغانستان با طالبان پیشنهاد کرد، این اقدام وی با واکنش‌های گسترده مواجه شد و این دیپلمات امریکایی را وادار به عذرخواهی کرد. دیگر در توییتی روز پنج‌شنبه، ۲۷ دلو، گفته است که از توییت‌هایش برداشت اشتباه صورت گرفته و اگر به کسی توهین صورت گرفته است، عذرخواهی می‌کند.

وی دو روز پیش در توییتی به جنبش سپاه‌پوستان امریکا اشاره کرد و نوشت که آیا افغان‌ها می‌توانند برای الهام به فرهنگ این جنبش، به‌ویژه جنبش رسانه‌ای این (blackGirlMagic) نگاهی بیندازند.

او همچنان نوشته است: «یا افغان‌ها با جنبش جادوی_دختر_سیاه آشنا هستند؟ آیا دختران افغان هم به جنبش مشابهی نیاز دارند؟ زنان افغان چطور؟ به من درس دهید که آماده یادگیری هستم.»

حال او گفته است: «گاهی اوقات بهترین نیت ما به اشتباه می‌رود؛ زیرا به اندازه کافی گوش نداده‌ایم یا واقعا تجربه زنده‌گی دیگران را درک نکرده‌ایم... من از همه کسانی که ممکن است به آنها توهین یا صدمه زده باشم عذرخواهی می‌کنم.»

با این حال، توییت‌های کرن دیگر، با حجمی از واکنش‌های کاربرانی مواجه شد که وضعیت فعلی زنان افغانستان را حاصل خروج آشفته امریکا از افغانستان می‌دانند.

این در حالی است که با خروج امریکا و متحدانش از افغانستان در پی توافق‌نامه دوحه، گروه طالبان پس از ۲۰ سال دوباره کنترل افغانستان را در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ به دست گرفتند؛ گروهی که آموزش، تحصیل و کار را برای زنان منع کرده است. گفتنی است که هشتگ «جادوی_دختران_سیاه»، در سال ۲۰۱۶ رایج شد و از آن در رسانه‌های اجتماعی برای جشن گرفتن دستاوردهای زنان سپاه‌پوست امریکا استفاده می‌شود.



توصیه‌های مکرر مولوی عبدالحمید به طالبان: به زنان اجازه تحصیل بدهید

۸ صبح، کابل: پس از وضع محدودیت‌ها بر آموزش و تحصیل زنان از سوی طالبان، امام جمعه زاهدان ایران بار دیگر به ممنوعیت تحصیل زنان در افغانستان پرداخته است. مولوی عبدالحمید، روحانی پرنفوذ سنی‌مذهب در ایران، روز جمعه، ۲۸ دلو، در خطبه نماز جمعه از طالبان خواسته است که به زنان اجازه آموزش و تحصیل بدهند.

او با بیان این‌که نباید مانعی بر سر آموزش و تحصیل زنان وجود داشته باشد، افزوده است: «حتی یک روز هم راه علم‌آموزی زنان را نگیرید.» مولوی عبدالحمید همچنان از گروه طالبان خواسته است تا از اقوام و مذاهب مختلف استفاده و افراد شایسته را در ساختار نظام شریک کنند.

این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که طالبان از بدو تسلط‌شان بر کشور نخست آموزش دختران و سپس تحصیل و کار زنان را ممنوع کردند.

براساس گزارش‌ها، از میان ۷۷ هزار پناهجوی افغان که در ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ به امریکا منتقل شده بودند، تا ۱۲ فبروری، تنها چهار هزار و ۷۷۵ تن اقامت دائمی را دریافت کرده‌اند.

براساس گزارش سی‌بی‌اس، کسانی که فاقد وضعیت قانونی اقامت دائمی‌اند، از ماه جولای بدون مداخله کنتره، مجوز کار و زنده‌گی در امریکا را از دست خواهند داد. پس از خروج امریکا و متحدانش از افغانستان، شمار زیادی از افراد بدون مدرک کافی که نشان بدهد جان‌شان با برگشت طالبان با خطر مواجه است، به امریکا منتقل شدند.

۸ صبح، کابل: از ۱۵ اگست سال ۲۰۲۱ به بعد ده‌ها هزار شهروند کشور به امریکا منتقل شده‌اند که اکنون بیشتر آنان با خطر اخراج مواجه‌اند.

سی‌بی‌اس روز پنج‌شنبه، ۲۷ دلو، گزارش داده که براساس اسناد همه‌گانی‌ناشده دولت امریکا، ده‌ها هزار پناهجوی افغان در این کشور در معرض خطر برگشت دوباره به افغانستان قرار دارند.

با این حال، براساس این گزارش یک راه وجود دارد تا این اتفاق نیفتد؛ این‌که کنتره امریکا با تصویب لایحه اعطای اقامت دائم، جلو اخراج این پناهجویان را بگیرد.

فیصله بزرگان قومی؛ گرفتن مهریه در پکتیکا ممنوع شد

داماد، مهریه که حق عروس دانسته می‌شود را بگیرد.

منبع تاکید دارد که این فیصله بزرگان هرچند با استقبال مردم محل مواجه شده، اما شماری از عالمان دینی، مهریه را یکی از حقوق زنان در ازدواج عنوان کرده و گفته‌اند که این صلاحیت زن است تا در مورد آن تصمیم بگیرد.

در عین حال، این عالمان دین با کمتر شدن مقدار مهریه و مصارف گزاف در عروسی‌ها موافقت‌اند.

طالبان در مورد این فیصله اظهار نظر نکرده‌اند. این تصمیم در پکتیکا پس از آن گرفته شده است که شماری از جوانان این ولایت و البته سراسر کشور به علت بلند بودن مهریه و مصارف عروسی، مجبور به مهاجرت به کشورهای همسایه می‌شوند.



۸ صبح، پکتیکا: منابع محلی در ولایت پکتیکا می‌گویند که براساس فیصله بزرگان قومی در این ولایت، گرفتن مهریه از خانواده داماد ممنوع شده است. این تصمیم روز جمعه، ۲۸ دلو، در یک نشست بزرگ قومی در ولسوالی گیان این ولایت اتخاذ شده است. بربنیاد این فیصله، کسی حق ندارد از خانواده

اکانومیست: حفر کانال قوش تپه بالای روابط طالبان و اوزبیکستان تأثیر می‌گذارد

با توجه به این، اکانومیست باورمند است که افزایش تنش‌های احتمالی بر سر آب یک رابطه دشوار را بدتر می‌کند؛ در حالی که افغانستان در زمینه تأمین برق نیز به اوزبیکستان متکی است.

در همین حال، یک انجنیر افغان در آلمان گفته است که حفر کانال بخش آسان کار است و چالش جدی، تأمین مالی این پروژه، اعمار پل‌ها بر فراز این کانال و نیز این است که کانال پوشش داده نشده و در این صورت، بسیاری از آب آن به دلیل نشت در خاک خشک و ریگ منطقه از بین می‌رود. ساخت این کانال ۸.۲ میلیارد افغانی (۹۱ میلیون دالر) هزینه بر می‌دارد که معادل هشت درصد از عواید داخلی افغانستان در هشت ماه اول سال ۲۰۲۲ است.

طالبان گفته‌اند که با ساخت این کانال ۵۵۰ هزار هکتار زمین را در دشت‌های بایر شمال کشور آبیاری خواهند کرد.

گفتنی است که حفر کانال قوش تپه یکی از پروژه‌های اقتصادی است که طالبان همواره از آن در راستای تبلیغات برای استحکام قدرت‌شان استفاده می‌کنند.



۸ صبح، کابل: گروه طالبان کار حفر کانال قوش تپه در شمال کشور را اوایل سال جاری آغاز کردند. در این میان اما نگرانی‌هایی وجود دارد که حفر این کانال سبب درگیری‌های منطقه‌ای خواهد شد. روزنامه اکانومیست روز جمعه، ۲۸ دلو، به حفر این کانال، تصمیم طالبان از بهره‌برداری از این پروژه و نیز تبعاتی که پس از تکمیل این پروژه به وجود خواهد آمد، پرداخته است.

بربنیاد این گزارش، پروژه کانال قوش تپه آب را از آمودریا، نزدیک به مرز اوزبیکستان که این کشور برای آبیاری کشتزارهای پنبه‌اش به‌عنوان بزرگ‌ترین منبع شغلی به آن متکی است، به سمت دشت‌های بایر هدایت می‌کند.

آزادی برای بنده‌گی؟

زمانی که در زمستان ۱۳۶۷ نیروهای متجاوز اتحاد جماهیر شوروی افغانستان را ترک گفتند، بسیاری تصور می‌کردند که سنگ بزرگی از راه آزادی و رفاه کشور برداشته شده است. تنظیم‌ها و احزابی که در جنگ علیه نیروهای شوروی نقش داشتند، تبلیغ می‌کردند که مسیر تاریخ افغانستان، منطقه و حتی جهان را تغییر داده‌اند و عصر تازه‌ای آغاز خواهد شد که ملت افغانستان و در راس آن تنظیم‌های جهادی چون قهرمانان آزادی احترام خواهند گردید و در کار اداره و دولت‌داری نیز الگو خواهند شد. اگرچه تنظیم‌ها و رهبران سیاسی که در سوی «پیروز» جنگ قرار داشتند، تصویر روشنی از فردا ترسیم نمی‌توانستند و طرحی برای اداره کشور نداشتند، اما حس افتخار مبهمی را با تبلیغات و شعارهای جهادی میان اقشار مختلف ملت ساری می‌ساختند. هزاران انسانی که برای کسب آزادی و با شعار جهاد بسیج شده و جنگیده بودند، می‌خواستند اثر آزادی را در زنده‌گی خود ببینند و از برکت آن بهره‌مند شوند. با گذشت زمان همه دیدند که آزادی بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را به نبود نیروهای نظامی کشورهای دیگر در خاک خود تقلیل داد. جنگ برای آزادی، نیروهای ضد آزادی بسیاری را در داخل کشور خلق کرده بود که کمتر از تهاجم نیروهای شوروی آفت آزادی نبودند. با گذشت چند سال، «فاتحان» چنان در منجلاب جنگ و جنایت غرق شدند که خروج نیروهای شوروی دیگر چندان حس سرفرازی و افتخار خلق نمی‌کرد.

حال با گذشت سال‌ها و پیمودن پست‌وبلندی‌های بسیار، نهادهای کشور به چنگ گروهی افتاده است که به بهانه تجلیل از روز خروج نیروهای شوروی خود را قهرمان آزادی می‌خوانند، در حالی که آزادی فردی و مدنی بسیار ابتدایی چون تعلیم، سفر، حمام، انتخاب نوع لباس، موسیقی و تفریح را از مردم گرفته و کشور را به زندانی بدل کرده‌اند که در آن میلیون‌ها هم‌وطن ما گرفتار گرسنه‌گی، سرکوب و شکنجه روحی وحشیانه و کم‌سابقه شده‌اند. در محفلی که برای تجلیل از خروج نیروهای شوروی از سوی اداره تلویزیون «ملی» تحت تسلط طالبان برگزار شده بود، بسیار از آزادی لاف‌بند، ترانه، شعار و آیت خواندند، اما نگرانی از ناتوانی در اداره دولت و ترس از افتادن دوباره کشور به دهان قدرت خارجی دیگر در سخنان کلان‌های طالب آشکار بود.

طالبان این بار نیز راه اسلاف جهادی خود را می‌پیمایند و خطاهای تنظیم‌هایی را تکرار می‌کنند که با ذهنیت فیودالی کشور را تبولی می‌دانستند که هر که با هر وسیله‌ای فتح کرد، صاحبش می‌شود و ساکنان موظفانند بیعت کرده برای خان یا اتحادیه خان‌ها باج و جنگ‌جو بدهند. طالبان مانند مستبدان پیش از خود، مردم را مستحق رای و آزادی نمی‌دانند، از خلق تنها بیعت و فرمان‌برداری می‌طلبند و رابطه متقابل بین مردم و دولت را به رسمیت نمی‌شناسند. آنان خود را چوپان و ملت را گوسفندانی می‌دانند که جز قربانی شدن و سود رساندن به مالکان (امیران و خلیفه‌ها) ماموریت دیگری ندارند. از این رو آزادی را معادل فتح و تصاحب سرزمینی عنوان می‌کنند که قباله آن از پدران به میراث مانده است. البته این مستبدان قباله خود را در قاب مذهب عرضه می‌کنند و ادعا دارند که آزادی‌های فردی و حقوق بشری توطیه بیگانه‌گان و بی‌دینان برای سلب آزادی در بنده‌گی خداوند است. خداوند و دین اما تنها وسیله‌اند و آنچه در عمل از مردم انتظار دارند، بنده‌گی و سرسپردگی به امیر و امیرچه‌ها است.

زلزله و وضعیت رقتبار آسیب‌دیده‌گان؛

طالبان برنامه‌ای برای مدیریت حوادث طبیعی ندارند



وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث دولت پیشین تاکید می‌ورزد که اداره پاسخگو و مسوول جهت مقابله با حوادث احتمالی و کاهش خطر در افغانستان باید ایجاد شود. به گفته او، طالبان و دیدگاهی که در اداره آن‌ها حاکم است، نمی‌تواند پاسخگوی این چالش جدی باشد. از نظر آقای فهیم، نگرانی از وقوع زلزله در جمع نگرانی‌هایی که مردم افغانستان با آن‌ها مواجه‌اند، می‌تواند یک نگرانی جدی باشد.

سال شانزدهم
شماره ۳۸۴۵
شنبه
۲۹ دلو ۱۴۰۱
۱۸ فروری ۲۰۲۳

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

اداره بررسی زمین‌شناسی امریکا مرکز آن را در عمق ۱۹۶ کیلومتری زمین در نزدیکی‌های ولسوالی جرم بدخشان اعلام کرد. دولت سابق آمار جان‌باخته‌گان رویداد را بالاتر از ۱۰۰ تن و زخمیان را حدود ۶۰۰ تن اعلام کرد.

میزان بلند وقوع زلزله در افغانستان
وبسایت دفتر وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث که در حال حاضر زیر مدیریت طالبان فعالیت می‌کند، نگاشته است که انتشار گازهای گل‌خانه‌ای تغییرات جدی را روی متغیرهای هواشناسی و اقلیمی گذاشته و احتمال بروز فاجعه‌های غیرقابل جبران را در افغانستان بیشتر ساخته است. این نهاد گفته است که براساس گزارش جهانی و شاخص‌های ارزیابی خطر سال ۲۰۱۸، افغانستان در بین ۱۷۲ کشور دنیا مقام ۳۵ را از آن خود ساخته و از طرف دیگر در منطقه آسیا - پاسفیک بنا بر ارزیابی شاخص‌های Inform Risk، در بلندترین درجه آسیب‌پذیری در مقابل حوادث طبیعی قرار دارد.

نگرانی‌های شهروندان از وقوع حوادث و عدم دست‌گیری آسیب‌دیده‌گان

حوادث طبیعی به شمول زلزله در حالی در افغانستان زنده‌گی را به کام شهروندان این کشور تلخ ساخته که دولت مشروع و پاسخگو وجود ندارد تا بتواند در هنگام وقوع حوادث به متضرران رسیده‌گی کند یا توانایی پیش‌بینی وقوع حوادث طبیعی را داشته باشد و پیش از پیش مردم را در جریان قرار دهد.

شمس‌الدین مظهر، یکی از باشندگان کابل، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «جلو زلزله را کسی گرفته نمی‌تواند، اما یک دولت مردمی باشد که دلش به مردم بسوزد. برنامه‌های پیش‌گیرانه داشته باشد تا خطرات را کاهش بدهد. خدای‌نخواستگه اگر زلزله بزرگ‌تر در افغانستان به وقوع بپیوندد، هیچ امکاناتی وجود ندارد که گیرمانده‌گان را از زیر آوار بیرون کنند یا متضرران دسترسی به غذا و مکان پیدا کنند»

مهران قریشی، دانش‌آموخته زمین‌شناسی، در صحبت با ۸ صبح می‌گوید: «در همه جهان میزان خطرات قابل پیش‌بینی است. کشورهایی که توسعه‌یافته‌اند، از جاپان به خاطر کاهش خطر زمین‌لرزه می‌توانند درس‌های خوبی بگیرند؛ اما ما که دولت نداریم و در بیست سال گذشته هم هیچ توجهی در این عرصه نشده، ضرورت است که جهان در چارچوب سازمان ملل در این زمینه برنامه‌هایی را روی دست بگیرد. اما چیزی که مانع اقدام جهانی می‌شود، عدم استراتژی ملی کاهش خطرپذیری حوادث است. ما توانایی پیش‌گیری و آماده‌گی در برابر حوادث را نداریم و با هر حادثه طبیعی شدیدترین صدمه‌ها را می‌بینیم.»

تدابیر پیش‌گیرانه برای کاهش تبعات زلزله

به گفته آگاهان امور محیط زیستی با تدبیر و دانش مدرن می‌توان میزان خطرات زلزله و سایر حوادث طبیعی را کاهش داد و به حداقل رساند. از نظر آنان، ایجاد سیستم فعال هشداردهنده قبل از وقوع حوادث، تشخیص محلات آسیب‌پذیر و تحکیم‌کاری، ایجاد مراکز تحقیقاتی در مورد مبارزه با حوادث و خلق دانش در این عرصه، شامل ساختن آموزش‌های مدیریت حوادث در نصاب آموزشی کشور و حفظ جنگل‌ها و نباتات از مهم‌ترین راهکارهای کاهش خطر در حوادث طبیعی دانسته شده است.

راهاندازی شبکه ملی لرزه‌نگاری برای مطالعات بنیادین زلزله‌شناسی و ارتقای کیفی ساخت‌وساز و به‌ویژه کیفیت واحدهای مسکونی شهری و روستایی از مهم‌ترین برنامه‌های کاهش خطر حوادث طبیعی به شمول زلزله خوانده شده است.

این‌همه در حالی است که حوادث طبیعی در جریان سال جاری جان بیش از یک هزار انسان را در افغانستان گرفته و خسارات هنگفت مالی بر جای گذاشته است. پیش از این دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد نیز گفته است که سرازیر شدن سیلاب‌ها باعث زخمی شدن شمار زیادی از شهروندان افغانستان شده است.

کمیسیون رسیده‌گی به حوادث طبیعی طالبان نیز گفته است که در نتیجه سرازیر شدن سیلاب‌ها در ۲۱ ولایت، ۱۹۴ تن جان باخته و ۲۶۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. به گفته اعضای این کمیسیون، در پی سرازیر شدن سیلاب‌های ویرانگر ۱۲ هزار و ۲۰ خانه رهایشی به‌گونه قسمی و یا کلی تخریب و ۹ هزار راس دام تلف و حدود ۶۰۰ هزار جریب زمین زراعتی تخریب شده است.

و وظایف خود آشنا باشند و همچنان با ابزار و وسایل مورد نیاز روز مجهز باشند، میزان خطرات احتمالی را کاهش می‌دهد.»

وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث دولت پیشین تاکید می‌ورزد که اداره پاسخگو و مسوول جهت مقابله با حوادث احتمالی و کاهش خطر در افغانستان باید ایجاد شود. به گفته او، طالبان و دیدگاهی که در اداره آن‌ها حاکم است، نمی‌تواند پاسخگوی این چالش جدی باشد. از نظر آقای فهیم، نگرانی از وقوع زلزله در جمع نگرانی‌هایی که مردم افغانستان با آن‌ها مواجه‌اند، می‌تواند یک نگرانی جدی باشد.

آمار چهارساله زلزله در افغانستان

براساس آمار ارایه‌شده در وبسایت وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث زیر کنترل طالبان، افغانستان از سال ۲۰۱۹ تا اواخر سال ۲۰۲۲، شاهد ۴۸۶ زلزله بوده که بزرگ‌ترین آن ۶.۱ ریشتر در ولایت خوست به وقوع پیوسته و پایین‌ترین آن ۴ ریشتر بوده که اکثریت این زلزله‌ها به همین مقیاس بوده‌اند. مرکز بیشتر این زلزله‌ها ولسوالی جرم و شماری از نقاط دیگر بدخشان بوده است. بربنیاد این معلومات، افغانستان هر سال گواه حداقل ۱۰۰ زلزله بوده است. برخی از این زلزله‌ها شدت و درجه بلندتری داشته که باعث تلفات انسانی نیز شده است. در جریان سال جاری زلزله‌های شدید ولایت‌های پکتیکا و خوست را لرزاند که مرگ حدود یک هزار تن در نتیجه آن گزارش شد. باشندگان ولسوالی‌های گیان، زبروک، نکه و برمل در ولایت پکتیکا و ولسوالی سپیره در ولایت خوست حوالی ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز جمعه، ۳ سرطان، زلزله‌های مرگ‌بار را شاهد بودند که در نتیجه آن علاوه بر کشته شدن حدود یک هزار تن، صدها تن زخمی و ده‌ها خانه رهایشی تخریب شدند.

زلزله‌های بیش از ۶ درجه در طول بیست سال گذشته

براساس گزارش‌ها، افغانستان از سال ۲۰۰۰ تاکنون بیش از شش زمین‌لرزه با بزرگی بیش از ۶.۵ ریشتر را به تجربه گرفته است. ولسوالی نهرین ولایت بغلان در سال ۲۰۰۲ میلادی زلزله‌ای با شدت ۶ ریشتر را پشت سر گذاشت. دولت وقت آمار کشته‌گان آن زلزله را یک هزار و ۱۰۰ تن اعلام کرد. بربنیاد اطلاعات رسانه‌ها در آن زلزله نه روستا تخریب و حدود ۱۰۰ هزار خانواده بی‌خانمان شدند.

دومین و بزرگ‌ترین زلزله در بیست سال گذشته در افغانستان، روز دوشنبه، ۲۶ اکتوبر ۲۰۱۵ به وقوع پیوست. آن زلزله با بزرگی ۷.۵ درجه ریشتر رخ داد.

که در حال حاضر پاسخگویی و رسیده‌گی به متضرران حوادث طبیعی وجود ندارد. او رفتار مقام‌های ارشد گروه طالبان در مورد رسیده‌گی به این حوادث در بدخشان را تبعیض‌آمیز می‌خواند و تاکید می‌ورزد که از دو روز به این‌سو با وجود این‌که خانه‌دها باشند محل تخریب شده است، توجهی به بی‌جاشده‌گان این حادثه صورت نگرفته است.

این در حالی است که طالبان محلی بدخشان روز جمعه، ۲۸ دلو، اعلام کردند که در پی این زلزله در مرکز و ولسوالی‌های این ولایت ۷۶ خانه رهایشی تخریب شده، اما این رویداد تلفات جانی نداشته است. در تصاویری که از خانه‌های مسکونی مخروبه در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود، نیز دیده می‌شود که سقف خانه‌های زیادی فروریخته است.

دیدگاه کارشناسان محیط زیست

نجیب‌آغا فهیم، وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی حکومت پیشین، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «افغانستان از لحاظ وضعیت زمین‌شناختی، یک کشور زلزله‌خیز است. دو خط گسل که از افغانستان عبور کرده، به نام‌های خط چمن و خط هریرود معروف هستند. این دو خط در منطقه جبل‌السراج [ولایت پروان] باهم یک‌جای می‌شوند و در امتداد سلسله‌کوه‌های هندوکش، به طرف بدخشان و پامیر ادامه پیدا می‌کنند. بناء ولایت‌هایی که در شمال شرق افغانستان قرار دارند، اکثراً در معرض تهدید زلزله‌های مختلف قرار دارند و خود پایتخت افغانستان در مجاورت این خط گسل قرار دارد.»

آقای فهیم تاکید می‌ورزد: «درک این موضوع که افغانستان در برابر حوادث احتمالی زلزله یک کشور آسیب‌پذیر است، می‌تواند کمک کند که میزان خطرپذیری را در برابر حوادث احتمالی و زلزله‌های احتمالی کم بسازیم. زلزله با وجودی که زمان وقوع آن قابل پیش‌بینی نیست، اما مکان وقوع آن قابل پیش‌بینی است و با استفاده از عکس‌های ماهواره‌ای می‌توان مناطقی که در مجاورت گسل‌ها قرار دارند و مناطق در تهدید این گسل‌ها را شناسایی کرد.»

به گفته وزیر دولت در امور رسیده‌گی به حوادث دولت پیشین، مقابله با خطرات احتمالی زلزله باید در برنامه‌های انکشافی در نظر گرفته شود، منابع بیشتر اختصاص یابد، روی زیربناها سرمایه‌گذاری صورت بگیرد و به مردم آگاهی‌دهی شود.

آقای فهیم می‌افزاید: «تجربه زلزله ترکیه نشان داد، به میزانی که آماده‌گی بیشتر باشد از میزان تلفات و خسارات احتمالی کاسته می‌شود. تیم‌های نجات با کار

افغانستان براساس شاخصه‌ها و گزارش‌های جهانی، در بلندترین درجه آسیب‌پذیری در برابر رویدادهای طبیعی از جمله زلزله قرار دارد. احتمال رخ دادن زلزله بین ۶ تا ۷ ریشتر به‌طور اوسط در سال



امین کخوه

در افغانستان وجود دارد. در کنار جنگ و تروریسم، حوادث طبیعی نیز افغانستان را با تهدید جدی مواجه کرده است. صفحات زلزله‌خیز افغانستان را از سه جهت غرب، جنوب و شرق احاطه کرده و گسل‌های و گسل‌های چمن از مشهورترین گسل‌های زلزله در کشور شمرده می‌شوند. بربنیاد آمارهای وزارت دولت در امور رسیده‌گی به حوادث طبیعی، در جریان چهار سال ۴۸۶ مورد زلزله در افغانستان رخ داده است. نبود زیرساخت‌های معیاری و دولت کارآمد و پاسخگو، میزان آسیب‌پذیری و تلفات ناشی از زلزله را افزایش داده است. در تازه‌ترین مورد زلزله‌ای با شدت ۴.۸ ریشتر در فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، رخ داده که تلفات جانی نداشته، اما خسارات مالی هنگفتی وارد کرده است.

ولایت بدخشان در جریان یک هفته گذشته گواه دو زلزله نسبتاً قوی بوده است. زلزله نخست بامداد چهارشنبه، ۲۴ دلو، در عمق ۱۳۵ کیلومتری در جنوب‌غرب ولسوالی اشکاشم این ولایت رخ داد که میزان شدت آن ۴.۳ درجه ریشتر اعلام شد. زمین‌لرزه دومی حوالی ساعت ۱۰:۵۰ پنج‌شنبه‌شب، ۲۷ دلو، رخ داد. مرکز زلزله‌نگاری امریکا گفته است که مرکز این زلزله شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، بوده است. براساس گزارش مرکز زلزله‌نگاری امریکا، این زلزله با شدت ۴.۷ ریشتر و عمق ۶۰ کیلومتر در زیر زمین رخ داده است. این نهاد افزوده که این زمین‌لرزه در بخشی‌هایی از تاجیکستان، اوزبیکستان، پاکستان و ایران نیز احساس شده است.

با این حال شماری از باشندگان شهر فیض‌آباد، مرکز ولایت بدخشان، این زلزله را شدید توصیف می‌کنند. محمدالله که از زمین‌لرزه شدید جمعه‌شب ترسیده است، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید: «تازه خواب شده بودم که با صدای دلخراش بیدار شدم و به بیرون رفتم. در بیرون هم برف می‌بارید. شب تلخ و دردناکی بود. تا صبح خوابم نبرد و کابوس دیدم.»

فرشید (نام مستعار) باشندگان دیگر این ولایت، نیز به روزنامه ۸ صبح از شدت زلزله و وضعیت ناگوار مردم سخن می‌زند. به گفته او، باشندگان بدخشان پیوسته مورد بی‌مهری و کم‌بینی مقام‌های مسوول در کابل قرار گرفته‌اند. این باشندگان فیض‌آباد تصریح می‌کنند

آشنایی بانظام فدرالی (۱)

در شمار نظام‌های سیاسی جهان، نظام فدرالی نسبتاً جوان است و در پاسخ به معضله‌ها و نارسایی‌های نظام واحد مرکزی به وجود آمده است. این نظام در عده‌ای از کشورها در امر تأمین صلح اجتماعی و تحقق اشتراک گسترده مردم در پروسه‌های سیاسی موثر ثابت شده است.



دکتور محمدداود پیا

الف) معرفی

در شمار نظام‌های سیاسی جهان، نظام فدرالی نسبتاً جوان است و در پاسخ به معضله‌ها و نارسایی‌های نظام واحد مرکزی به وجود آمده است. این نظام در عده‌ای از کشورها در امر تأمین صلح اجتماعی و تحقق اشتراک گسترده مردم در پروسه‌های سیاسی موثر ثابت شده است. در تاریخ جهان، پس از کشور سوئیس، ایالات متحده امریکا دومین سرزمینی است که از سال ۱۷۷۷ میلادی بدین‌سو (یک سال پس از اعلام استقلال آن کشور) بربنای ساختارها و اصول فدرالی اداره می‌شود. امروز، ۲۵ کشور جهان که ۴۰ درصد نفوس بشر را در بر می‌گیرند، رسماً به‌حیث ممالک فدرالی شناخته شده‌اند. در مجموع، در حدود ۸۰ درصد نفوس جهان امروز در ممالکی به سر می‌برند که یا رسماً فدرالی‌اند (مانند ایالات متحده، هند، و روسیه) و یا سازوکارهای شبه‌فدرالی را در امر اداره امور حکومت‌داری خود به کار می‌بندند.

تطبیق نظام فدرالی در کشورهای برخوردار از تنوع بشری-فرهنگی و تفاوت‌های منطقه‌ای (نظیر هند، کانادا، و بلژیک) به کاهش تنش‌ها و تضادهای زبانی، قومی، و منطقه‌ای کمک شایانی کرده و امر حکومت‌داری موثر و مردم‌محور را سهولت بخشیده است. کشوری به بزرگی هند، با نفوسی بالاتر از ۱.۳ میلیارد نفر و حدود دو هزار زبان، در چوکات ترتیبات سازوکارهای فدرالی اداره می‌شود. در عین حال، کشوری به کوچکی سنت کیتس و نویس (Saint Kitts and Nevis) با نفوس ۵۳ هزار نفر، در چوکات نظام شاهی بریتانیا، حکومت فدرالی دارد. چنان‌که در بالا اشاره شد، عده‌ای از ممالک بزرگ و پیش‌رفته جهان، نظیر انگلستان، فرانسه، جمهوری خلق چین و جاپان، هرچند رسماً عنوان نظام فدرال را اختیار نکرده‌اند، اما پروسه‌ها و رویکردهایی را در عمل پیاده می‌کنند که بر اساسات و اصول فدرالی استوارند.

مقالاتی که در این سلسله تحت عنوان «آشنایی با نظام فدرالی» منتشر می‌شوند، بخش‌های فشرده کتابی‌اند که نویسنده (داکتر محمدداود بار) تدوین و ترجمه کرده است. این مقالات در همکاری با آقای یونس نگاه برای نشر در روزنامه ۸صبح تهیه شده‌اند. در این مقالات کوششی شده است تا با استناد به منابع و اسناد معتبر، اصول، نهادها، پروسه‌ها، مزایا، پیچیده‌گی‌ها، نارسایی‌ها و اشکالی که نظام فدرالی در عمل با آن‌ها برخورد می‌کند، معرفی شوند. برای برآورده شدن این مامول، به سه رساله فشرده و کوتاهی که توسط انجمن فدراسیون‌ها (Forum of Federations) تهیه و از طریق شرکت نشراتی پوهنتون آکسفورد در کانادا نشر شده‌اند، اتکا شده است. بدنه اصلی متن مقاله‌ها، ترجمه آن رساله‌ها است و در مواردی برای انتقال بهتر پیام‌ها و اصطلاحات تخنیکی آثار متذکره، حواشی، توضیحات و تبصره‌هایی توسط مترجم افزوده شده‌اند. نگارنده و همکارم آقای یونس نگاه کوشیده‌ایم تا غرض روشن ساختن بیشتر مطالب، قدمی فراتر از ترجمه آثار متذکره برداریم و برداشت‌ها و یافته‌های خود را نیز بر آن بیفزاییم تا به سوال‌هایی که در ذهن کنجکاو اهل تحقیق و سیاست در شرایط کنونی افغانستان در ارتباط به نظام فدرالی وجود دارد، در حد توان پاسخ بگوییم. آشنایی آفاقی و آکادمیک خواننده افغان با نظام فدرالی، نهادها و طرز کار آن در عمل، هدف اصلی این ترجمه و تحقیق را تشکیل می‌دهد.

ب) علاقه و مخالفت با فدرالیسم در افغانستان
فدرالیسم یا شیوه حکومت‌داری غیرمرکزی، در حلقه‌های باسواد و تعلیم‌یافته افغانستان طرفداران و مخالفان زیادی دارد. بحث درباره این مفهوم مهم سیاسی و پرسش مناسبت آن با اوضاع و شرایط

و کوشش تدوین‌کننده‌گان آن‌ها در راه حفظ بی‌طرفی و طرح آفاقی مطلب، موجب خواهد شد تا موافقان و مخالفان نظام فدرالی هر دو، در لایه‌لای مباحث این سلسله دلایلی را برای به کرسی نشاندن استدلال‌های خود بیابند و از آن‌ها علیه مخالفان استفاده کنند. معذالک، تهیه‌کننده‌گان این مقالات انتظار دارند که ارایه تصویر دقیق و تحریف‌ناشده از فدرالیسم، بالاخره این بحث را از زندان عواطف و پیش‌داوری‌های قومی و قشری بیرون ساخته و به آن جنبه مناظره آفاقی، مدنی، و سازنده سیاسی ببخشد. فدرالیسم و یا هر نظام سیاسی دیگری که هدف آن شرکت عادلانه در قدرت باشد، با پرخاش نه، بلکه با مناظره مدنی و معقول اعمار می‌شود. مخاطب واقعی این مقالات آنانی‌اند که امروز آزادی‌های بشری و دورنمای آینده خود و کشور را در خطر می‌بینند و به سراغ بدیل و راه نجات‌اند. در این راستا، فدرالیسم یکی از بدیل‌هایی می‌تواند باشد که نسل نو بایستی به آن بیندیشد. در عین حال، با توجه به آن‌که پس از فروپاشی جمهوری اسلامی استقبال از ایجاد حکومت غیرمتمرکز و فدرالی افزایش یافته و تعدادی از حرکت‌های سیاسی اخیر به آن تعهد کرده‌اند، باید توجه داشته باشیم که این مفاهیم وسیله‌ای برای حیل‌گری در جهت عوام‌فریبی مردم نشود. باید کوشیده شود تا ویژه‌گی‌های فدرالیسم، نقاط قوت و کمبودهای آن به‌گونه آفاقی و سازنده مورد بررسی قرار گیرد.

ج) فدرالیسم چیست؟

در نظام فدرالی قدرت سیاسی بین مرکز و ایالات شامل در قلمرو سیاسی کشور، توزیع می‌شود. در فلسفه سیاسی نظام فدرالی همه اشخاص و گروه‌هایی که در قلمرو سیاسی واحد و مشترک زنده‌گی می‌کنند، صرف نظر از نژاد، زبان، قوم و مذهب مالک مشترک آن قلمروند و حق دارند با حفظ هویت‌های بشری-فرهنگی خود، در پروسه‌های سیاسی-اجتماعی آن قلمرو سهیم و هم‌منفعت باشند.

شیوه دولت‌داری فدرالیستی در میثاق یا سند مدونی به نام قانون اساسی فدرال، تعریف می‌شود. این سند در حقیقت، قرارداد اجتماعی رضاکارانه‌ای است که اشتراک همه‌شمول جمعیت‌های ساکن در قلمرو سیاسی مشخص را در واحد سیاسی که ملت خوانده می‌شود، امکان‌پذیر می‌سازد. قانون اساسی فدرال بازتاب آمال، آرزوها و ویژه‌گی‌های فرهنگی-مردمی جمعیت‌هایی است که تحت چتر ملت واحد زنده‌گی می‌کنند و در عین حال خودارادیت فرهنگی و ویژه‌گی‌های بشری خود را حفظ می‌کنند.

قانون اساسی فدرال در نتیجه تدبیر، مشوره، مذاکره، مفاهمه و توافق میان گروه‌های متفاوت فرهنگی/منطقه‌ای ساکن در قلمرو یک کشور تدوین می‌شود و نقش اساسی ویژه‌گی‌های فرهنگی (یعنی هویت‌های گروهی) را در حیات مردم شامل در قلمرو فدرالی به رسمیت می‌شناسد. این قانون، قدرت و صلاحیت‌های تصمیم‌گیری سیاسی/فرهنگی/اداری (و در برخی از موارد، تقنینی) را بین سطوح مختلف حکومت‌داری (اکثراً حکومت مرکزی و حکومت‌های ایالتی و بعضاً حکومت مرکزی، حکومت‌های ایالتی و ادارات محلی) توزیع می‌کند. تمرکززدایی و تفویض صلاحیت‌های اداری و تقنینی (و قسماً قضایی) به واحدهای مشموله، خصوصیت برجسته نظام فدرالی را تشکیل داده و منبع قوت این نظام (در مقایسه با نظام واحد-مرکزی) شناخته می‌شود. قانون اساسی فدرالی، علاوه بر آن، مکانیسم‌ها و نهادهای مشخصی را به منظور تنظیم و مدیریت روابط بین‌الحکومتی (روابط میان سطوح مختلف حکومت‌داری) پیش‌بین می‌شود و از این طریق، طرز‌العمل‌های حکومت‌داری و تعاملات ارگانیک بین‌الحکومتی را در جهت رفاه عامه و سرتاسری (ملی) سوق می‌دهد. تضامیم و اراده سیاسی نظام فدرالی در سطح مرکزی، منعکس‌کننده اراده مرکب و جمعی واحدهای مشموله‌ای است که اجزای نظام فدرالی را تشکیل می‌دهند. اصولاً در یک نظام فدرالی تضامیم و سیاست‌گذاری‌های یک‌جانبه و یک‌پانگه مرکزی یا محلی جایی ندارد. قانون اساسی فدرالی که زیربنای حقوقی این نظام را تشکیل می‌دهد، در حقیقت توازن و تعادلی را بازتاب می‌بخشد که بین صلاحیت‌های مرکز نظام فدرالی و اجزای آن (واحدهای مشموله فدرالی) وجود خواهد داشت.

بدین اساس، می‌توان فدرالیسم را شیوه حکومت‌داری ترکیبی خواند که قدرت سیاسی، صلاحیت‌های تقنینی و اجرائات اداری در آن بین حکومت فدرال (مرکزی) و حکومت‌های منطقه‌ای شامل در قلمرو فدرالی (حکومت‌های ولایتی/ایالتی) توزیع و تقسیم می‌شود. این شیوه حکومت‌داری مرکب و مشترک از یک سو تقسیمات صلاحیت‌های سیاسی/اداری/تقنینی را در سطح ملی بازتاب می‌بخشد و از سوی دیگر، هویت سیاسی متمایز، وحدت سیاسی، تمامیت ارضی، و استقلال سیاسی/اقتصادی کشور را با رعایت منفعت عمومی مردم شامل در نظام فدرالی، در اجتماع بین‌الملل منعکس می‌سازد.

مشخصه کلیدی نظام فدرالی یا حکومت‌داری فدرالیستی وجود رابطه معقول، متوازن و متعادل بین صلاحیت‌های حکومت مرکزی و حکومت‌های ایالتی است. سهولت‌های ناشی از تعادل میان صلاحیت‌ها و مسوولیت‌ها در سطح ملی و ایالتی (و در بعضی موارد در سطح محلی) عامل عمده‌ای است که خط مشی و سرنوشت آینده نظام فدرالی را رقم می‌زند. در این نظام، پیش‌برد سیاست خارجی، عقد قراردادهای بین‌المللی، چاپ و نشر پول، تنظیم و مدیریت امور دفاع ملی، تنظیم تجارت خارجی و طرح و تطبیق برنامه‌ها و استندردهای اقتصادی/اجتماعی عامه (برنامه‌هایی که بر همه واحدهای فدرالی اثر گذارند) از جمله وظایفی‌اند که انجام آن‌ها در حیطه صلاحیت‌های حکومت فدرال (مرکزی) قرار دارد. در نظام فدرالی، تضامیم و صلاحیت‌های سیاسی که بر حیات فرهنگی/اجتماعی/اقتصادی مردمان ایالات و محلات اثر مستقیم وارد می‌کنند، به حکومت‌های منتخب این واحدها تفویض می‌شوند. در شمار این صلاحیت‌های ایالتی/محلی می‌توان از صلاحیت‌های ذیل نام برد:

- سازماندهی پولیس ایالتی/محلی؛
- تعیین نصاب تعلیمات ابتدایی؛
- عرضه خدمات صحت و بهداشت؛
- تنظیم امور شهرداری؛
- و ارایه خدمات رفاهی/حامیوی اجتماعی.

باید اذعان داشت که هم‌زمان با توزیع صلاحیت‌ها بین مرکز و ایالات، در نظام فدرالی انسجام و هماهنگی اقدامات و طرح‌های سیاست‌گذاری در سطوح مختلف حکومت‌داری برعهده نهادها و مکانیسم‌هایی گذاشته می‌شوند که نهادهای بین‌الحکومتی خوانده می‌شوند. ایجاد و حفظ توازن فدرالیستی که در بالا به آن اشاره شد، وظیفه کلیدی است که قانون اساسی فدرال انجام آن را برعهده نهادها و مکانیسم‌های روابط بین‌الحکومتی می‌سپارد.

بربنای آن‌چه در بالا گفته شد، ویژه‌گی‌های اساسی نظام فدرالی را می‌توان در چهار مشخصه کلیدی ذیل خلاصه کرد:

۱. وجود قانون اساسی مدونی که بر اصل فدرالی استوار است (اصل تقسیم قدرت و صلاحیت‌های حکومتی بین مرکز، نظام فدرالی و واحدهای مشموله آن)؛

۲. به رسمیت شناختن هویت‌های گروهی و خودمختاری‌های ویژه فرهنگی/زبانی جمعیت‌های شامل در قلمرو فدرالی؛

۳. تقسیم قدرت و صلاحیت‌های حکومت‌داری بین حکومت مرکزی و واحدهای مشموله نظام فدرالی بربنای ویژه‌گی‌ها و ملحوظات فرهنگی/زبانی/منطقه‌ای؛

۴. انسجام و هماهنگ‌سازی اقدامات و سیاست‌های مطروحه سطوح مختلف حکومت‌داری از طریق مکانیسم‌ها و میانجی‌گری‌های نهادهای بین‌الحکومتی. در چهارچوب کلی مشخصات چهارگانه فوق، قوانین اساسی فدرالی جهان امروز عموماً قواعدی را نیز شامل‌اند که واقعیت‌ها و مشخصات ویژه سیاسی-اجتماعی-فرهنگی شهروندان آن‌ها را بازتاب می‌بخشند. لذا می‌توان گفت که نظام‌های فدرالی جهان امروز، بر نسخه سیاسی/ساختاری واحد، یکسان و قبلاً تعریف‌شده‌ای بنا نیافته‌اند؛ بلکه قوانین اساسی این نظام‌ها، با رعایت مشخصات اساسی چهارگانه فوق، از نگاه ساختار و جزئیات با هم تفاوت داشته و از تنوع و تفاوت‌های زیادی برخوردارند. توانایی نظام فدرالی در حقیقت، در انعطاف‌پذیری ساختاری و ظرفیت انطباق‌پذیری آن با خصوصیت‌ها و تمایزات فرهنگی-بشری ملل نهفته است.

ادامه دارد...

ماجرای یک قتل در جوزجان؛

چرا امید مادر خود را کشت؟

بر اساس اظهارات منابع، این رویداد چهارشنبه شب، ۲۶ دلو، در روستای «پیرمزید» شهر شیرخان، مرکز ولایت جوزجان، اتفاق افتاده است. نام این پسر امیدالله است و ۱۸ سال سن دارد. بر اساس اظهارات یک عضو این خانواده، امیدالله مادرش «بی بی عایشه» را نخست خفه کرده و سپس جسد او را به آتش کشیده است.

۸ صبح، جوزجان

دشنام می داد، اما با گذشت چند دقیقه مادرش جیغ بلندی زده و دیگر صدایش برای همیشه خاموش شده است. این دختر یازده ساله گفته است: «من از پشت دروازه گوش می دادم که چرا خاموشی شد. در همین لحظه امید دروازه را باز کرد، دیدم که مادرم در کنج اتاق آتش گرفته و امید از خانه فرار کرد.» زینب پس از دیدن این صحنه، روی زمین می افتد و دیگر کاری از دستش بر نمی آید.

همسایه های بی بی عایشه نیز قتل بی رحمانه او توسط پسرش را تأیید می کنند. یکی از باشندگان روستای پیرمزید می گوید که حوالی ساعت ۰۹:۰۰ شب بیشتر اهالی منطقه ناله و فریاد عایشه و زینب را شنیده اند. به سخن او، یکی از ساکنان محل با حوزه امنیتی طالبان تماس گرفته و ماجرا را گزارش داده است. این باشندگان محل می افزایند که نیروهای طالبان دیرتر به ساحه رسیدند و زمانی که موتر نوع رنجر طالبان به محل رویداد رسید، امیدالله مادرش را کشته و جسدش را سوزانده بود. در همین هنگام نیروهای طالبان در شهر شیرخان امیدالله را بازداشت کرده و با خود به حوزه امنیتی منتقل کرده اند.

احمد (نام مستعار) باشندگان دیگر روستای پیرمزید می گوید: «هنگامی که داخل خانه شدیم، دیدیم که زینب ضعف کرده و در اتاق دیگر آتش سوزی صورت گرفته است. آتش را خاموش کردیم، دیدیم که بی بی عایشه با جسد خون آلود در آتش سوخته بود.» احمد می افزاید که دیدن آن صحنه خیلی برایش دردناک بوده است. باشندگان محل و دختر یازده ساله بی بی عایشه تأیید می کنند که امیدالله از این پیش در سن ۱۶ سالگی پدرش را نیز به قتل رسانده بود. به سخن آنان، امیدالله برای به دست آوردن میراث، پدرش را با ضربه های چاقو کشته است. آن چنانی که باشندگان محل توضیح می دهند، اکنون زینب بدون سرپرست باقی مانده است.

با این حال، مسولان فرماندهی امنیه طالبان در ولایت جوزجان نیز تأیید کرده اند که امیدالله در نظارت خانه این گروه به سر می برد و در جریان تحقیقات پذیرفته که مادرش را برای به دست آوردن میراث به قتل رسانده است. او تاکنون به دادگاه طالبان معرفی نشده است. بر اساس خبرنگار فرماندهی امنیه طالبان در جوزجان، نیروهای محلی این گروه زینب را به یک زن تسلیم کرده اند تا برای مدتی از او سرپرستی کنند.

هفته گذشته گزارش شد که جوانی در ولایت جوزجان مادرش را به قتل رسانده و جسد او را به آتش کشیده است. طبق گزارش ها، این جوان از سوی نیروهای طالبان بازداشت شده و اکنون در انتظار مشخص شدن کیفر است. یک عضو این خانواده توضیح می دهد که این پسر با استفاده از سیم «چارجر موبایل» مادرش را خفه کرده و سپس جسد او را سوزانده است. او علت این قتل را فروش جایزه میراثی به قصد مخارج ازدواج عنوان کرده است. گواهان رویداد این پسر را «مجرم متکرر» می خوانند و اضافه می کنند که او پیش از این پدر خود را نیز به قتل رسانده است.

بر اساس اظهارات منابع، این رویداد چهارشنبه شب، ۲۶ دلو، در روستای «پیرمزید» شهر شیرخان، مرکز ولایت جوزجان، اتفاق افتاده است. نام این پسر امیدالله است و ۱۸ سال سن دارد. بر اساس اظهارات یک عضو این خانواده، امیدالله مادرش «بی بی عایشه» را نخست خفه کرده و سپس جسد او را به آتش کشیده است.

زینب، خواهر کوچک امیدالله، گواه قتل مادرش بوده است. این کودک یازده ساله در اظهاراتش گفته است: «امید از دو سال به این سو بالای مادرم فشار می آورد تا برای او زن بگیرد، اما از این که امید پدرم را به خاطر میراث کشته بود، کسی حاضر نمی شد دخترش را به پسری که پدرش را قتل کرده است، بدهد.» زینب می افزاید که مادرش برای خواستگاری نزد چندین خانواده رفته بود، اما باشندگان محل حاضر نبودند با امیدالله پیوند خانواده گی برقرار کنند. به گفته زینب، امیدالله چهارشنبه شب با عصبانیت وارد خانه شده و از مادرش خواسته است تا حویلی خود را بفروشد و با پول آن از ولایت بلخ یا فاریاب برایش زن بگیرد. به سخن این دختر یازده ساله، مادرش به امیدالله جواب رد می دهد و می گوید که دو سال پیش حویلی دیگری را در بدل چهار میلیون افغانی به فروش رسانده بود و پول آن را نیز حیف و میل کرده است. او اضافه می کند که بی بی عایشه به امیدالله می گوید حالا تنها جایزه ای که دارند، همین خانه میراثی است و اگر این را بفروشند، جایی برای زنده گی نخواهند داشت.

در خبرنگار فرماندهی امنیه طالبان در ولایت جوزجان به نقل از زینب آمده است: «امید با لحن زشت مادرم را دشنام داد و همراه با لین چارجر موبایل مادرم را خفه کرده به اتاق دیگری برد و دروازه را از داخل بسته کرد.» این عضو خانواده می گوید که پس از این صدای ناله و فریاد مادرش را می شنید با صدای بلند

زمستان سرد و فقر روزافزون؛

مواد خوراکی و سوخت مردم قادس روبه اتمام است



۸ صبح، بادغیس

فقیر محمد که مسوولیت خانواده هفت نفری را بر دوش دارد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید به هر کسی که می نگرند، فقیرتر از خودش می نماید. او می افزاید: «یک دفعه خنکی ها شد، هیزم چیزی داشتیم، خلاص شد. مواد غذایی هم کم مانده. شاید سه من آرد دیگر به خانه ما باشد. این سه من چند وعده ما را می شود. هیچ راهی هم نیست، حیرانم چه کنم.»

فصل های سرما در یک دهه اخیر در کشور بوده است. در کنار سردی بیش از حد هوا، فقر به عنوان چالشی بزرگ دیگر دامن گیر شهروندان شده است. محمدنسیم، باشندگان روستای «جهان دوست» ولسوالی قادس، تأیید می کند که فقر به گونه جدی دامن گیر اهالی این ولسوالی شده و روزهای پیش رو همه را هراسان ساخته است. این باشندگان محل، می افزایند که مواد سوخت و مواد غذایی بیشتر باشندگان این ولسوالی رو به اتمام است و او کمتر خانواده های را سراغ دارد که مخارج یک ماهه در ذخیره داشته باشد.

محمدنسیم همانند بیشتر اهالی این ولسوالی با پرورش و فروش مویشی روزگار خود را می چرخاند، اما در زمستان امسال ۲۰ رأس دام او به دلیل سرمای شدید تلف شده اند. او علاوه می کند: «هیچ چیزی همین حالا نداریم. طرف اولادهای خود نگاه می کنیم، گریه می کنیم که چه کار کنیم و به کجا بروم. حالا وقت کار هم نیست. یک زانو برف در زمین و مردم هم همه گرسنه هستند. شب خود را تیر می کنیم و منتظر یک کمک چیزی هستیم تا خدا یک دروازه خیر را باز کند.»

مقام های محلی طالبان در قادس نیز تأیید می کنند که فقر به گونه نگران کننده ای زنده گی باشندگان این ولسوالی را تهدید می کند. یکی از مقام های اداره محلی طالبان در قادس که نخواست نامش در این گزارش درج شود، به روزنامه ۸ صبح گفت که گروهی از باشندگان منطقه در هماهنگی با ولسوال طالبان در قادس و مولوی عبدالصمد جاوید، والی این گروه برای بادغیس، صحبت کرده اند تا هر چه زودتر موسسه ها را وادار به کمک رسانی به این مناطق کنند. این مقام محلی می افزاید: «مردم چیزی برای خوردن ندارند، خدا شاهد است که به قریه جات اطراف بروید، مردم دنبال یک لقمه نان می گردند. گرسنه گی به اوج خود رسیده. مردم مجبور شده اند به پیش ولسوال بروند تا موسسات را مجبور کنند که به مردم کمک روان کنند؛ در غیر آن همه از گرسنه گی می میرند.»

بیشتر باشندگان ولسوالی قادس مصروف شغل دام داری اند. امسال اما سردی بیش از حد هوا بیشتر دام های اهالی این ولسوالی را تلف کرده است. بر اساس اطلاعاتی که از سوی منابع با خبرنگار روزنامه ۸ صبح در میان گذاشته شده است، در جریان کمتر از دو ماه گذشته نزدیک به پنج هزار دام در این ولسوالی تلف شده اند.

باشندگان ولسوالی قادس در حالی از افزایش فقر و خالی شدن کندوهای مواد غذایی و سوختی شکایت دارند که پیش از این شماری از موسسه های بین المللی هشدار داده بودند که افغانستان زمستان دشواری پیش رو دارد و بیشتر شهروندان نیازمند کمک های بشردوستانه اند. دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد (اوپا) در گزارش تازه خود گفته است که ۲۸ میلیون تن در افغانستان به کمک های بشردوستانه نیاز دارند و گرسنه گی حاد جان شش میلیون شهروند این کشور را تهدید می کند. از سوی دیگر، سازمان جهانی بهداشت نیز اعلام کرده که در سال روان میلادی ۸۷۵ هزار کودک در افغانستان با سوء تغذیه شدید و بیش از دو میلیون کودک دیگر با سوء تغذیه متوسط روبه روند.

زمستان سرد و فقر روزافزون همزمان زنده گی مردم افغانستان را تهدید می کنند. بر اساس یافته های سازمان های امداد رسان، بیشتر شهروندان افغانستان مجبورند در فصل سرمای امسال به یکی از دو گزینه ضروری توجه کنند؛ یا شکم خود را سیر نگه دارند و یا خانه های خود را گرم کنند. اما روایت های مردمی بحران عمیق تر از این را به تصویر می کشد. در روستاها و ولسوالی های دور افتاده کشور خانواده های زیادی هستند که نه مواد کافی برای گرمایش خانه های شان دارند و نه هم شکم گرسنه خود را سیر می توانند. ولسوالی قادس در ولایت بادغیس از مناطقی است که سردی هوا در جریان یک شبانه روز جان چهار کودک و یک چوپان را در آن گرفته است. بر اساس اظهارات باشندگان محل، سردی هوا در این ولسوالی تا منفی ۳۳ درجه نیز رسیده است. اکنون اما در کنار سردی جان سوز زمستان، فقر نیز به چالشی بزرگ برای اهالی این ولسوالی بدل شده است. بیشتر خانواده ها در این ولسوالی آخرین بقایای مواد سوختی و غذایی را مصرف می کنند و از وقوع بحران انسانی زود هنگام در صورت بی توجهی نهادهای مدد رسان، هشدار می دهند.



فقیر محمد، یکی از باشندگان روستای «بادروک» ولسوالی قادس است. او می گوید که در روزهای برف باری همه راه های این ولسوالی بسته می شود و هیچ کاری برای پیدا کردن نفقه خانواده گیرش نمی آید. این باشندگان قادس می گوید که روزهای دشوار و سردی بیش از حد زمستان مواد سوخت خانواده اش را تمام کرده و مواد غذایی خانواده اش نیز در آستانه تمام شدن است.

فقیر محمد که مسوولیت خانواده هفت نفری را بر دوش دارد، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می گوید به هر کسی که می نگرند، فقیرتر از خودش می نماید. او می افزاید: «یک دفعه خنکی ها شد، هیزم چیزی داشتیم، خلاص شد. مواد غذایی هم کم مانده. شاید سه من آرد دیگر به خانه ما باشد. این سه من چند وعده ما را می شود. هیچ راهی هم نیست، حیرانم چه کنم.» گرسنه ماندن خانواده، فقیر محمد را به شدت نگران کرده است.

زمستان امسال یکی از سردترین و دشوارترین



۸ صبح

طالبان، نمازهای جمعه و حضور کم رنگ مردم

طالبان تصمیم قاطع دارند تا از تریبون‌های مساجد برای تحکیم پایه‌های نظام‌شان و مشروعیت‌بخشی به آن، استفاده بهینه کنند. آن‌ها هرگز به کسی اجازه نمی‌دهند که از منابر مساجد به انتقاد نظم موجود بپردازد و اگر شخصی جرأت به خرج دهد و این کار را کند، خواه‌ناخواه با برخوردی قاطع و پیشیمان‌کننده مواجه خواهد شد. طالبان به درستی اهمیت مساجد و منابر را می‌دانند و نمی‌خواهند که اشتباه نظام جمهوری را تکرار کنند و خطیبان را در اظهار نظر آزاد بگذارند. در دوران جمهوریت، خطیبان مساجد با وجود آن‌که از دولت در برابر شغل خطابت پول دریافت می‌کردند، آزادانه مشروعیت آن را زیر سوال می‌بردند و کوبنده‌ترین نقدها را به آدرس نظام حاکم حواله و بدین‌گونه اذهان عامه را علیه جمهوریت بسیج می‌کردند.



شهاب

جالب این‌جا است که منبری‌ها علت اهمیت قابل نشدن مردم به سخنانشان را عدم اخلاص و بی‌علاقه‌گی توده‌ها به دین می‌شمارند و جامعه را به انحراف و گمراهی و آلوده‌گی به گناه متهم می‌کنند. حال آن‌که عاملی که بیش از هر عامل دیگر اسباب روی‌گردانی مردم از خطبه‌های نماز جمعه است، عملکرد نادرست خطیبان است.

یکی دیگر از مشکلات موجود در خطبه‌ها این است که بعضی از خطیبان با احساسات بیش‌ازحد حرف می‌زنند و این احساساتی‌گری بر محتوای خطبه تأثیر می‌گذارد و آن را به سوی عوام‌زده‌گی سوق می‌دهد. آن‌ها قصد دارند که به‌گونه‌ای سخن بزنند که هم حاکمان را خرسند بسازد و هم عوام را از آن‌ها نرنجانند. این کار شبیه راه رفتن روی طناب است و غالباً با شکست همراه است. خطیب باید این نکته را به یاد داشته باشد که مخاطبان حرف‌هایش مردمانی با طیف‌های فکری و معیشتی مختلف است. شناخت مخاطب برای خطیب از اولویت‌های اصلی است. پس باید زبان و بیان مناسب و موضوع شایسته انتخاب شود.

در این روزها حرف‌هایی که مولوی عبدالحمید، امام مسجد جامع مکی، در خطبه‌های نماز جمعه بر زبان می‌آورد، مخاطبان پرشماری دارد. او با استفاده از تریبون این مسجد قادر شد با جنبش اخیر در ایران همراه شود و سخن‌گوی قسمتی از هواداران این جنبش باشد. هرچند مولوی عبدالحمید با حمایت بی‌دریغ از طالبان در روزهای اول بازگشت این گروه به قدرت، آماج انتقادات قرار گرفت، ولی انتقادهایی که بعدها راجع به سیاست آموزشی و تحصیلی طالبان بر زبان آورد، حاکی از آن است که وی حاضر است نسبت به مواضع قبلی‌اش تجدید نظر کند، در صورتی که به اشتباه خود پی ببرد. نمونه مولوی عبدالحمید این موضوع را ثابت می‌کند که تریبون مساجد شبیه شمشیر دولبه است. اشخاصی همانند مولوی عبدالحمید از آن برای احقاق حقوق مردم و دفاع از ستم‌دیده‌گان استفاده می‌کنند و دسته‌ای دیگر مواهب زودگذر دنیوی را ترجیح می‌دهند و در خدمت دیکتاتوران و نظام‌های توتالیتر درمی‌آیند. اکثریت ملاهای افغانستان در حال حاضر در دسته دوم جای می‌گیرند. تلخی ماجرا وقتی بیشتر می‌شود که به این مسأله توجه کنیم که دین خدا که تصور عموم این است که برای کاهش درد و رنج مردم فرستاده شده، به ابزاری برای سرکوب و ایجاد خفقان تبدیل شود. این اتفاق باعث می‌شود که جایگاه دین در میان مردم متزلزل شود و ایمان و اعتقاد مردم به سستی گراید.

همه ابعاد جامعه افغانستان جامعه‌ای است که دین یکی از ارکان هویتی آن است. بنابراین، شعائر و مراسم دینی در این جامعه از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و قابل حذف و نادیده گرفته شدن نیست. با این‌همه، برای این‌که این مراسم با مقتضای زمان هماهنگ شود و موثریت بیشتری داشته باشد، لازم است نکاتی رعایت شود.

یکی از ضعف‌هایی که در خطبه‌های روز جمعه راه پیدا کرده و آن را به سمت نامطلوب برده، حضور سیاست در آن است. روی‌هم‌رفته خطیبان می‌کوشند که با قدرت سیاسی هماهنگ باشند و با آن در نیفتند. از همین جهت است که علمای نشسته بر منابر وعظ با زخم‌ها و دردهای جامعه بیگانه هستند و دغدغه‌هایشان دغدغه‌های توده‌های لگدمال‌شده زیر آوار فقر و ستم نیست. بی‌جهت نیست که می‌بینیم حرف‌هایی که می‌زنند چندان نسبتی با مشکلات واقعی جامعه ندارد. خطبه‌های نمازهای جمعه از سوی دولت تهیه می‌شود و به‌گونه متحدال‌مال به دسترس همه خطیبان قرار می‌گیرد. وقتی محتوای خطبه دولتی شود، طبیعی است که در آن خبری از خواست‌ها و آرزوهای مردم نیست.

نارسایی دیگر خطبه‌های روز جمعه ضعف محتوایی و کم‌مایه‌گی آن است. بسیاری از کسانی که امامت نمازهای جمعه را برعهده می‌گیرند، اشخاصی هستند که با آموزه‌های دینی به صورت علمی‌اشناشی ندارند و از سوی حکومت‌ها برای این کار گماشته شده‌اند. علاوه بر آن، این اشخاص از تحولات زمانه نیز آگاه نیستند و از اندیشه‌های معاصر چیزی نمی‌دانند. البته همیشه موارد نقض وجود دارد. عدم آشنایی توأمان با سنت و مدرنیته گاهی به خلق صحنه‌های منجرکننده منتهی می‌شود و سوژه برای سرگرم شدن کاربران شبکه‌های اجتماعی به دست می‌دهد.

برای بسیاری از مردم شنیدن خطبه‌های جمعه جذابی نیست و صرفاً از باب ادای واجب دینی، خود را ناگزیر از شنیدن آن می‌شمارند. در این سال‌ها از ده‌ها تن پرسیده‌ام که آیا شنیدن خطبه‌های علما در نمازهای جمعه برای‌تان جذابیت و دلربایی دارد؟ اکثریت مطلق آنان از محتوای نازل خطبه‌ها شکایت کرده‌اند و از ملال‌آور بودن آن‌ها سخن گفته‌اند. در این روزها، خطبه‌های نمازهای جمعه به تکرار مکررات و ایراد سخنانی که به جهان منسوخ تعلق دارد و نسبتی با دنیای معاصر ندارد خلاصه شده است.

خداشده‌دار شود. روشن است که این بایکوت کردن‌ها تغییری در وضعیت ایجاد نمی‌کند، اما مردم چه کاری فراتر از آن در برابر حکومتی سرکوب‌گر و بی‌رحم می‌توانند انجام دهند. این احتمال وجود دارد که طالبان به زور متوسل شوند و مردم را با استفاده از قوه قهریه به حضور در نمازهای جمعه وادار کنند.

برگزاری نماز جمعه و ایراد خطبه قدمت هزار و ۴۰۰ ساله دارد. از زمان حضرت محمد تا امروز مسلمانان در این روز گرد هم می‌آیند و پس از این‌که امام خطبه را ایراد می‌کند، نماز جمعه را با شکوه‌مندی به جا می‌آورند. در اسلام تأکید بسیاری بر اهمیت ایراد خطبه در روز جمعه شده است. قرآن مجید اشخاصی را که در اثنا سخنرانی حضرت رسول از مسجد بیرون شده بودند و به تجارت و دادوستد مشغول گشته بودند، نکوهش می‌کند. خلفای راشدین نیز مهم‌ترین حرف‌های‌شان را با مردم در خطبه‌های روز جمعه در میان می‌گذاشتند. زمامداران بعدی نیز در نماز جمعه حضور می‌یافتند و معمولاً حاکمان خود رشته کلام را به دست می‌گرفتند و در لابلای خطبه، سیاست‌های‌شان را تشریح و امامت جمعه را برگزار می‌کردند. نکته مسلم این است که نماز جمعه پیوسته با سیاست پیوند وثیق داشته است.

می‌توان از همایش‌های بزرگ نماز جمعه برای توسعه و اصلاح جامعه استفاده کرد. مراسم روز جمعه تریبونی است هفته‌گی که در هر جمعه در هر محله دایر می‌شود و فرصتی مهیا می‌کند برای پرداختن به مسایل روز و طرح استراتژی‌های کوتاه‌مدت و درازمدت برای بهبود وضع جامعه در

پس از تسلط طالبان بر افغانستان، وزارت ارشاد، حج و اوقاف این گروه یکی از مهم‌ترین وزارت‌هایی است که مسوولان آن برای تحکیم پایه‌های حکمرانی طالبان و گسترش ایدئولوژی طالبانی در میان مردم، اقداماتی را روی دست گرفته‌اند. شیوه کارشان این است که متن خطبه نماز جمعه را این وزارت تهیه می‌کند و خطیب نماز جمعه حق ندارد سخنی فراتر از آن بزند. این متن‌ها به گونه‌ای تهیه می‌شود که ایدئولوژی و مواضع طالبان را تقویت و مسایل روز را مطابق دیدگاه رسمی طالبان بیان می‌کند. هم‌چنین باید در لابلای خطبه‌های نماز جمعه به پایداری و بقای «امارت اسلامی» و حفظ و موفقیت ملاهبت‌الله دعا صورت گیرد. شبیه این کار در برخی از کشورهای دیگر اسلامی نیز رایج است.

طالبان تصمیم قاطع دارند تا از تریبون‌های مساجد برای تحکیم پایه‌های نظام‌شان و مشروعیت‌بخشی به آن، استفاده بهینه کنند. آن‌ها هرگز به کسی اجازه نمی‌دهند که از منابر مساجد به انتقاد نظم موجود بپردازد و اگر شخصی جرأت به خرج دهد و این کار را کند، خواه‌ناخواه با برخوردی قاطع و پیشیمان‌کننده مواجه خواهد شد. طالبان به درستی اهمیت مساجد و منابر را می‌دانند و نمی‌خواهند که اشتباه نظام جمهوری را تکرار کنند و خطیبان را در اظهار نظر آزاد بگذارند. در دوران جمهوریت، خطیبان مساجد با وجود آن‌که از دولت در برابر شغل خطابت پول دریافت می‌کردند، آزادانه مشروعیت آن را زیر سوال می‌بردند و کوبنده‌ترین نقدها را به آدرس نظام حاکم حواله و بدین‌گونه اذهان عامه را علیه جمهوریت بسیج می‌کردند. در این مدتی که طالبان به قدرت بازگشته، کوشیده‌اند که ملاهای نام‌آور و فرماندهان برجسته خود را به حیث خطیب در مساجد مختلف بگمارند و ملاهای گذشته را از صحنه حذف کنند. اکنون هیچ صدای مخالفی را نمی‌توان از تریبون مساجد شنید.

در این میان، اتفاقی که در این روزها در پایتخت افغانستان قابل مشاهده است، به خوبی می‌تواند جایگاه طالبان را نزد توده‌های شهری برملا کند. از وقتی که طالبان ملاها را مجبور به خواندن دعا برای «امیرالمومنین»‌شان کرده‌اند، مساجد شهر کابل در نمازهای جمعه کم‌جمعیت‌تر از هر وقت دیگر شده و مخصوصاً حضور جوانان در این نمازها کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. ظاهراً بعضی از مردم با بایکوت کردن نمازهای جمعه، انزجار و تنفرشان را از طالبان و رهبرشان بیان می‌کنند. مردم دوست ندارند که معنویت نماز جمعه با خواندن دعا برای ملاهبت‌الله



برگزاری نماز جمعه و ایراد خطبه قدمت هزار و ۴۰۰ ساله دارد. از زمان حضرت محمد تا امروز مسلمانان در این روز گرد هم می‌آیند و پس از این‌که امام خطبه را ایراد می‌کنند، نماز جمعه را با شکوه‌مندی به جا می‌آورند. در اسلام تأکید بسیاری بر اهمیت ایراد خطبه در روز جمعه شده است. قرآن مجید اشخاصی را که در اثنا سخنرانی حضرت رسول از مسجد بیرون شده بودند و به تجارت و دادوستد مشغول گشته بودند، نکوهش می‌کند.

سخنی پیرامون انجینیری زمین لرزه

نادر پیش تاز



انجینیری زمین لرزه مجموعه‌ای از دانش‌ها و فنون گوناگون است که حول اهداف حیاتی مربوط به مطالعه، دیزاین، اجرا، کنترل و نگهداری انواع ساختمان‌های عمرانی در مقابل تاثیرات قوه‌های ناشی از وقوع زمین لرزه‌های احتمالی می‌چرخد.

مطالعه عامل زمین لرزه و تاثیرات آن بالای ساختمان‌ها، دانش نسبتاً جدیدی است که بعد از سال ۱۹۶۰ در نگرش تحلیلی و ارزیابی‌های انجینیری ساختمانی تغییراتی در آن رونما شده و هنوز هم در حال توسعه است. براساس این تغییرات، برنیاد فهم و ارزیابی‌های بیشتر اثرات زمین لرزه‌های قرن بیست، یک سلسله روش‌ها و متدهای تعدیل شده برای طراحی، مقاوم‌سازی و ایمن‌سازی ساختمان‌ها ارائه شده است. همچنان براساس تیوری‌های اخیر در مورد عوامل زمین لرزه و تجارب علمی و عملی از شدیدترین حوادث این پدیده، در متدهای تحلیلی، ارزیابی قوه‌ها، طرح و دیزاین ساختمان‌ها و در کد (معیار)های ساختمانی تغییراتی به وجود آمده است که در رأس آن‌ها کُد بین‌المللی ساختمان (International Building Code) قرار دارد.

انجینیری زمین لرزه مجموعه‌ای از دانش‌ها و فنون گوناگون است که حول اهداف حیاتی مربوط به مطالعه، دیزاین، اجرا، کنترل و نگهداری انواع ساختمان‌های عمرانی در مقابل تاثیرات قوه‌های ناشی از وقوع زمین لرزه‌های احتمالی می‌چرخد. همچنان برای به حداقل رساندن خسارات وارده، تلاشی می‌کنند بدین اساس در انجینیری زمین لرزه دقیقاً دو اصل ذیل در نظر گرفته شود:

۱. قوه‌های ناشی از زمین لرزه به‌گونه‌های مختلف از زمین وارد ساختمان می‌شوند، در حالی که بارها و قوه‌های معمولی قابل انتظار یک ساختمان در طول عمر آن، غالباً به‌صورت عمودی از بالا به پایین عمل کرده و توسط عناصر عمودی ساختمان مانند دیوارها و پایه‌ها به تهداب انتقال و وارد زمین می‌شوند.

۲. بارهای مورد انتظار مربوط به خدمات روزمره و عادی یک ساختمان، تقریباً همیشه و در تمامی مدت عمر آن وجود دارد، در حالی که بار زلزله در طول عمر همان سازه ممکن است در آن منطقه حتی یک بار هم رخ ندهد.

بنا بر خصوصیات و ویژه‌گی‌های بالا، چنانچه تصمیم گرفته شود که ساختمان‌ها کاملاً مقاوم و در مقابل زلزله‌های مهیب پاسخگو طراحی و اعمار شود، مقادیر هنگفت مصالح ساختمانی و امکانات فنی و مالی اضافی مصرف خواهد شد که شاید در غیر آن در عمل هرگز مورد نیاز نباشد. بنابراین، با وجودی که در طراحی، دیزاین و اعمار اغلب ساختمان‌ها انتظار حداقل صدمات و آسیب‌های احتمالی در اثر زمین لرزه‌ها خیلی کم در نظر گرفته می‌شود، ولی با آن هم انجینیران همواره در پی آموختن و به‌کارگرفتن شیوه‌ها و تکنیک‌هایی‌اند که از فروریختن کامل ساختمان‌ها حتی در شرایط نسبتاً بحرانی جلوگیری به عمل آورند.

در جریان زلزله، زمینی که ساختمان بالای آن قرار دارد، شروع به لرزش و حرکت می‌کند و قاعده ساختمان نیز مطابق جهت آن به حرکت درمی‌آید، ولی قسمت بالایی از قاعده ساختمان نمی‌خواهد حرکتی انجام دهد. انرشیای وزن یا کتله بالایی ساختمان، در برابر حرکت مقاومت می‌کند و در نتیجه ساختمان کج می‌شود. سپس، این موج کج‌کننده به امتداد ارتفاع ساختمان حرکت کرده و ادامه تکان‌های قاعده سبب می‌شود که ساختمان تحت تاثیر یک سلسله نوسانات مغلق قرار گیرد و تغییر شکل و انحرافات در طبقات ایجاد و فروپاشی در قسمت‌های بالاتر از قاعده (احتمالاً در عناصر ساختمانی طبقه اول) آغاز شود. متعاقب آن

اتکای پایینی از تحمل خارج می‌شود و ساختمان فرومی‌نشیند. هرگاه ساختمان در لحظات اول فرو نماند، بنا بر خسته‌گی عناصر بالایی تهداب در دقایق بعدی از هم می‌پاشد.

از لحاظ انجینیری، در هنگام دیزاین یا طراحی یک سازه، برای تحمل قوه‌های زلزله در قدم اول نگرانی‌های ایمنی در جریان یک زلزله بزرگ مطرح است. در قدم‌های بعدی، دوام قابلیت اجرایی هدف ساختمان (سرویس‌دهی آن) و قابلیت استفاده و نهایتاً پوتانسیل از دست دادن ارزش اقتصادی آن در جامعه در نظر گرفته می‌شود.

از آنجایی که عمل یک ساختمان تحت تاثیر قوه‌های زلزله کاملاً متفاوت از عمل آن تحت تاثیر قوه‌های باد و وزن عمودی خودش است، بنابراین تحلیل‌های جزئی و ارزیابی‌های سخت‌گیرانه نیاز است تا اطمینان حاصل شود که تحمل ساختمان خارج از حد ارتجاعیت آن تضمین می‌گردد.

زمانی که یک ساختمان حرکات و تکان‌های ناشی از زمین لرزه را تجربه می‌کند، یک مقدار صدمه قابل انتظار است و بدین اساس است که تقریباً تمام کدها تاثیر عمل انرژی انعطاف‌ناپذیر را به‌صورت پراگنده در سیستم‌های ساختمانی اجازه می‌دهند.

به‌صورت سنتی در تحلیل‌های زمین لرزه و دیزاین ساختمان‌ها، توجه خاصی به تقلیل خطرات و از دست دادن حیات در جریان وقوع زلزله شدید معطوف می‌دارند. بنابراین به منظور به دست آوردن این هدف، توسعه کدهای ساختمانی براساس تجارب تاریخی عمل کرد ساختمان‌ها، کمبودها یا نواقص آن‌ها در جریان وقوع زمین لرزه و عواقب بعدی آن استوار است. مقررات کدهای ساختمانی، برنیاد حصول اطمینان از تحمل یک ساختمان در برابر زلزله در یک ساحه زلزله‌خیز مربوط به ترکیب اجزای مقاومتی ساختمان، ایجاد دکتایلیتی (Ductility) (تغییر شکل پلاستیکی بدون شکستگی) و ایجاد تعادل در اتصالات عناصر داخلی مقاومت‌کننده قوه‌های جانبی استوار است. البته در ساحات زلزله‌خیز خفیف، ضرورت دکتایلیتی ساختمان‌ها می‌تواند تا اندازه قابل ملاحظه‌ای تقلیل یابد.

تقریباً تمام کدهای ساختمانی، سه هدف ذیل را برای دیزاین ساختمان‌های جدید تحت عمل زمین لرزه‌ها مشخص می‌سازند:

۱. کاهش جدی خطر از دست دادن حیات در تمام ساختمان‌ها؛

۲. ازدیاد نقش قابلیت سرویس‌دهی مورد انتظار ساختمان‌هایی که احتمال خطرات آن‌ها برای عامه متصور است، مانند ساختمان‌های رهائشی و دیگر ساختمان‌های مورد استفاده روزانه عامه؛

۳. توسعه توانایی و امکانات ضروری قابلیت سرویس‌دهی یک ساختمان بعد از وقوع زلزله.

علاوه بر آن، به‌صورت عموم تقریباً تمام کدهای ساختمانی تاکید و مقرر می‌دارند که همه ساختمان‌ها توانایی‌های مقاومتی ذیل را دارا باشند:

۱. بدون صدمه در برابر زلزله‌های خفیف پابرجا باقی بمانند.

۲. تنها صدمات ساختمانی و غیرساختمانی ناچیزی در برابر زمین لرزه‌های متوسط داشته باشند.

۳. در برابر زمین لرزه‌های شدید با برخی از صدمات ساختمانی و غیرساختمانی بدون سقوط پابرجا مانده و توقع بر آن باشد که بعضی عناصر ساختمانی آن‌ها تحت شرایط انعطاف‌پذیری نسبتاً بزرگ قرار خواهند گرفت.

در اکثر ساختمان‌هایی که تحت تاثیر زمین لرزه‌های

متوسط تا شدید قرار می‌گیرند، به‌صورت اقتصادی تامین مقاومت زمین لرزه طوری اجرا می‌شود که قابلیت انعطاف‌پذیری بعضی عناصر در آن ساختمان اجازه داده شود. بدین سبب، انعطاف‌پذیری در بعضی عناصر مشخص و در موقعیت‌های پیش‌بینی شده ساختمان طوری اجازه داده می‌شود که بعد از اتفاق یک زمین لرزه قوی عناصر تحمل‌کننده قوه‌های عمودی هنوز هم پابرجا مانده بتوانند. البته برای ساختمان‌های مخصوص مانند تاسیسات اتمی (نیوکلیئر) انعطاف‌پذیری به هیچ صورت نمی‌تواند اجازه داده شود.

ساختمان‌های دارای اهمیت نهایت ضروری مانند شفاخانه، ایستگاه آتش‌نشانی، تاسیسات انرژی و برق، مخابراتی و امثال آن‌ها باید نه تنها بدون تخریب یا سقوط پابرجا بمانند، بلکه استفاده و سرویس‌دهی آن‌ها در جریان زلزله نیز ادامه داشته باشد؛ یعنی چنین ساختمان‌ها علاوه بر قابلیت ایمنی حیات، قابلیت کنترل تخریب را در جریان زمین لرزه و بعد از آن نیز داشته باشند.

زلزله در بدخشان ۷۶ خانه را تخریب کرده است



تاکنون تلفات انسانی ناشی از این زلزله گزارش نشده است. از سویی هم، برف کوچ‌های اخیر در بدخشان جان ۱۲ تن را گرفته و ۱۴ تن دیگر را زخمی کرده است. محمداکرم اکبری، رییس مبارزه با رویدادهای طبیعی طالبان در بدخشان، روز جمعه، ۲۸ دلو، این آمار را تأیید کرده است. گفته می‌شود بیشتر این خانه‌های مسکونی در نتیجه برف‌باری‌های سنگین آسیب دیده و نم کشیده بودند که در نتیجه با تکان زلزله تخریب شده‌اند.

۸صبح، بدخشان: مسولان محلی طالبان در ولایت بدخشان می‌گویند که در پی زلزله شب گذشته در این ولایت، ۷۶ خانه مسکونی تخریب شده است. محمداکرم اکبری، رییس مبارزه با رویدادهای طبیعی طالبان در بدخشان، روز جمعه، ۲۸ دلو، این آمار را تأیید کرده است. گفته می‌شود بیشتر این خانه‌های مسکونی در نتیجه برف‌باری‌های سنگین آسیب دیده و نم کشیده بودند که در نتیجه با تکان زلزله تخریب شده‌اند.

روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

سال شانزدهم
شماره ۳۸۴۵
شنبه
۲۹ دلو ۱۴۰۱
۱۸ فیبروری ۲۰۲۳

صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
مسول افغانستان: شاحسین رسولی
تحلیل‌گران: یونس نگاه، ابومسلم خراسانی و علی سجاد مولایی
دبیر گزارش‌ها: فهیم امین

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر
خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۲۵-۰۳۸، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
۸صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media
Editor-in-Chief: Mohammad Moheq, Mohammad.moheq@8am.media
Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

پنتاگون اعلام کرده که یک رهبر ارشد داعش را در یک عملیات نظامی در سوریه کشته است. به گزارش یورونیوز، روز جمعه، ۱۷ فیبروری، در پی یک عملیات نظامی پنتاگون یا وزارت دفاع امریکا، یک رهبر ارشد گروه داعش در شمال شرق سوریه کشته شده است. ارتش امریکا گفته است که این عملیات پنجشنبه شب، ۱۶ فیبروری، با همکاری نیروهای دموکراتیک سوریه (اسدی اف) به رهبری کردها و متحدان ایالات متحده، انجام شده است. پنتاگون افزوده است که در این عملیات چهار سرباز امریکایی و یک سگ ارتش کشته شده‌اند. گفتنی است که امریکا طی چند سال گذشته دو سرکرده داعش را در سوریه شناسایی کرده و کشته است. ابوبکر البغدادی، بنیان‌گذار داعش، نیز در سال ۲۰۱۹ در سوریه شناسایی و بازداشت شد.



مرگ‌بارترین رخداد مهاجرتی تاریخ بلغارستان؛

۱۸ پناهجوی افغان در داخل یک کامیون جان باختند

شفاخانه‌ای انتقال داده‌اند. گفته می‌شود که این افراد چند روز پیش با استفاده از زینه و عبور از حصار مرزی، از خاک ترکیه وارد آن کشور شده‌اند. پولیس بلغارستان گفته که در پیوند به این رویداد چهار تن را بازداشت کرده است. افراد بازداشت شده پیش از این نیز به قاچاق انسان متهم شده بودند. بلغارستان مسیری است که پناهجویان از خاورمیانه و افغانستان برای ورود به اروپای غربی از آن استفاده می‌کنند. پیش از این نیز در رویدادی ۷۱ پناهجو در کنار شاهراهی در اتریش هنگام انتقال در یک کامیون، جان داده بودند.

تنفس، ۱۲ ساعت پیش از یافت شدن خفه شده بودند. در گزارش پولیس تصریح یافته است که این افراد چند روزی نیز هیچ غذایی نخورده بودند. در میان قربانیان، یک کودک شش یا هفت ساله نیز حضور دارد. براساس آمارها، این رویداد مرگ‌بارترین رخداد مهاجرتی در تاریخ بلغارستان است. به گفته بوریسلاف سارافوف، رئیس سرویس تحقیقات ملی بلغارستان، اجساد این پناهجویان هنگامی یافت شد که یخ‌زده بودند. هم‌زمان با این، پولیس بلغارستان ۳۴ پناهجوی دیگر، از جمله پنج کودک را که وضعیت‌شان وخیم بود، به

۸ صبح، کابل: اجساد ۱۸ پناهجویی که شهروندان افغانستان هستند، از یک کامیون چوب در بلغارستان کشف شده است. براساس گزارش رسانه‌های بلغارستانی، مقام‌های پولیس آن کشور اجساد این افراد را روز جمعه، ۲۸ دلو در حومه‌های شهر صوفیه، پایتخت آن کشور یافتند. به گفته پولیس، یک باشنده محل آنان را از توقف یک کامیون رهاشده در ۲۰ کیلومتری منطقه لوکوسکو، واقع در شهر صوفیه باخبر کرد. معلومات اولیه پولیس بلغارستان نشان می‌دهد که دست‌کم ۵۲ تن به گونه غیرقانونی در زیر چوب‌هایی که توسط این کامیون منتقل می‌شد، پنهان شده بودند. گفته می‌شود که این افراد به دلیل فضای محدود برای



چین پیروزی خود در برابر کرونا را اعلام کرد

دولت چین پس از شیوع دوباره کرونا در برخی از شهرهایش، اعلام کرده است که در برابر این ویروس به پیروزی دست یافته است. رویترز به نقل از مقام‌های چینی روز جمعه، ۱۷ فیبروری، گزارش داده است که چین به «پیروزی قاطع» در برابر ویروس کرونا رسیده است، در حالی که آمار واقعی از شمار تلفات این بیماری در چین ارایه نشده است. کمیته دائمی دفتر سیاسی چین (PSC) روز پنجشنبه در نشستی گفته است: «با تلاش‌های مستمر در برابر کووید-۱۹، چین به پیروزی قاطع بزرگی در پیش‌گیری و کنترل همه‌گیری دست یافته است.»

این سازمان همچنان ادعا کرده که تلاش‌های چین منجر به درمان بیش از ۲۰۰ میلیون تن از جمله نزدیک به ۸۰۰ هزار مورد شدید شده است. با این حال، به گفته رسانه‌های دولتی چین، رهبران این کشور ضمن تأکید بر بهبود شرایط در این کشور، نسبت به گسترش جهانی این ویروس و ادامه جهش‌هایش هشدار داده‌اند.

از سوی دیگر، در شیوع دوباره ویروس کرونا، دولت چین محدودیت‌های کرونایی زیادی را وضع کرد که منجر به اعتراضات گسترده در این کشور شد. برخی از کارشناسان می‌گویند که تلفات واقعی بسیار بیشتر از آن چه بوده است که از سوی دولت نشر شده، زیرا بسیاری از بیماران در خانه‌هایشان جان خود را از دست می‌دهند. تخمین می‌شود که شمار جان‌باخته‌گان در چین دست‌کم به یک میلیون تن می‌رسد. گفتنی است که از زمان شیوع ویروس کرونا در چین ۸۰ درصد از ۱.۴ میلیارد جمعیت این کشور، مبتلا شده‌اند.

رئیس جمهور فنلند:

سرنوشت پیوستن به ناتو به دست ترکیه است

رئیس جمهور فنلند می‌گوید که سرنوشت عضویت فنلند در ناتو به دست ترکیه است. به گزارش رویترز روز جمعه، ۱۷ فیبروری، پس از آن که پارلمان فنلند موافقت کرد تا معاهدات تاسیس ناتو را در ۲۸ فیبروری تصویب کند، سائولی نینیسو، رئیس جمهور این کشور، گفته است که سرنوشت پیوستن فنلند به ناتو، اکنون در دست ترکیه است. در ماه می سال گذشته، فنلند و سوئد در پی حمله روسیه به اوکراین برای عضویت در ناتو درخواست

دادند که از سوی ترکیه رد شده است. انقره، کشورهای شمال اروپا را به پناه دادن به گروه‌های تروریستی متهم کرده است. رئیس کمیته روابط خارجی فنلند گفته است که قرار است پارلمان این کشور به تاریخ ۲۸ فیبروری با تصویب قوانین لازم، اجازه دهد تا کشور به عضویت ناتو درآید. گفتنی است که برای پیوستن به ناتو، تایید همه اعضای این سازمان ضروری است و تا کنون ۲۸ کشور از ۳۰ کشور موافقت خود برای عضویت فنلند



و سوئد را اعلام کرده‌اند، اما تا کنون ترکیه و مجارستان درخواست این دو کشور را تایید نکرده‌اند.

جمهوری خواهان در نامه‌ای خواستار پاسخگویی مقامات دولت بایدن در مورد خروج فاجعه‌بار از افغانستان شدند

دلایل منطقی در مورد توقف حمایت هوایی قبل از تخلیه شهروندان امریکایی، شریک شود. همچنان در این نامه گفته شده است که سوابق، اسناد و ارتباطات در مورد درخواست افزایش یا خروج نیروهای برای حمایت از ماموریت در افغانستان از ۲۰ جنوری تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۱ نیز با این کمیته شریک شود. براساس معلومات جمهوری خواهان، اعضای این حزب در کمیته نظارت از مجلس نماینده‌گان امریکا بیش از ۱۰ بار خواستار پاسخ در مورد عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از افغانستان شده، اما دولت بایدن هیچ اطلاعاتی در آن مورد ارایه نکرده است. همچنان از اگست ۲۰۲۱ تا جنوری ۲۰۲۲، آنان از اعضای دموکرات‌شان در این کمیته خواسته‌اند که نشست‌های استماعیه در این مورد برگزار کنند، اما هیچ نشست دایر نشده است. پس از آغاز جنگ اوکراین و تنش‌ها میان امریکا و چین، این از معدود مواردی است که قضیه افغانستان دوباره موضوع مورد بحث در مجلس نماینده‌گان امریکا قرار می‌گیرد. پیش از این، جمهوری خواهان، بایدن را به خروج عجولانه از افغانستان متهم کرده بودند که ضمن سپردن قدرت به طالبان، در آن جریان سبب کشته شدن ۱۳ نیروهای ارتش آن کشور خروج شد.

امریکا در این نامه گفته که دولت بایدن برای خروج از افغانستان آماده‌گی نداشته و تصمیم آن به یک فاجعه انسانی و امنیتی منجر شده است. او بدون یادآوری از مردم افغانستان، گفته است که مردم امریکا مستحق پاسخند و مانع‌تراشی‌های دولت بایدن برای انجام یافتن تحقیقات در این مورد پذیرفتنی نیست. رئیس کمیته نظارت مجلس نماینده‌گان امریکا در نامه‌اش بلینکن را به عنوان وزیر خارجه که در مرکز برنامه‌ریزی برای خروج از افغانستان قرار داشت و به بایدن در مورد تصمیمی که منجر به «شکست‌های تاکتیکی و استراتژیکی» شده، مشوره می‌داد، در ساختن «روایتی از موفقیت و نظم هنگام سقوط» کابل مقصر دانسته است. در این نامه، جمهوری خواهان درخواست کرده‌اند که سوابق، اسناد و مکتوب‌های مربوط به برنامه احتمالی خروج از افغانستان از ۲۰ جنوری ۲۰۲۱ و همچنان اسناد و سوابق ارتباطات با حکومت پیشین این کشور در مورد برنامه‌ریزی و تخلیه امریکایی‌ها، دیپلمات‌ها و پیمانکاران را با سایر جزئیات با آنان شریک کند. در نامه دیگر به لوید آستین و مایک میلی، جمهوری خواهان این کمیته شبیه خواست قبلی را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند که همه سوابق، اسناد و ارتباطات برای ارایه برنامه‌های اضطراری مربوط به عقب‌نشینی و تخلیه نیروهای امریکایی از افغانستان با در نظر داشت



۸ صبح، کابل: جمهوری خواهان در کمیته نظارت از مجلس نماینده‌گان امریکا در تازه‌ترین نامه‌شان به شماری از مقامات دولت بایدن، خواستار پاسخگویی در مورد «خروج نادرست» آن کشور از افغانستان شده‌اند. رسانه‌های امریکایی روز جمعه، ۲۸ دلو گزارش دادند که این نامه عنوانی شماری از مقامات، از جمله انتونی بلینکن، وزیر امور خارجه، لوید آستین، وزیر دفاع، جنرال مایک میلی، رئیس ستاد ارتش مشترک، الخاندرو مایورکاس، وزیر امنیت داخلی، جک سالیوان، مشاور امنیت ملی و سامانتا پاور، مدیر آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده فرستاده شده است. جیمز کومر، رئیس کمیته نظارت مجلس نماینده‌گان

سیستم کمپیوتری اف‌بی‌آی هک شد

رسانه‌های بین‌المللی به نقل از منابع خود گزارش داده‌اند که سیستم کمپیوتری پولیس فدرال امریکا هک شده است. سی‌ان‌ان روز جمعه، ۱۷ فیبروری، از این رویداد خبر داده است. اف‌بی‌آی به سی‌ان‌ان گفته است: «اف‌بی‌آی از این حادثه آگاه است و تلاش می‌کند تا اطلاعات بیشتری به دست آورد.» هرچند مشخص نیست که این حمله سایبری کار چه کسی بوده و چه زمانی رخ داده است، اما مقام‌های این نهاد امنیتی امریکا گفته‌اند که تحقیقات درباره فعالیت‌های مخرب سایبری ادامه دارد. اف‌بی‌آی گفته است که اکنون این حمله مهار شده است. گفتنی است که هک کمپیوترهای اف‌بی‌آی طی یک دهه گذشته بی‌پیشینه است. این در حالی است که چندی پیش امریکا روسیه را متهم به انجام حملات سایبری کرده بود؛ موردی که با واکنش شدید سفیر روسیه در واشنگتن مواجه شد.